

## نقش تنگه هرمز در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

مسعود باپیری<sup>۱</sup>

علیرضا رحیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

قدرت ملی به مجموعه توانایی‌های مادی و معنوی گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی-سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. از جمله توانایی‌های مادی، پدیده‌های طبیعی به نام تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی هستند که به عنوان یک موقعیت استراتژیک هم در استراتژی‌های نظامی بری و بحری و هم در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذارند.

یکی از مهم‌ترین آبراهه‌های جهان، تنگه هرمز نام دارد که اهمیت خود را مدیون خلیج فارس است. خلیج فارس به علت وجود چهار عامل موقعیت جغرافیایی (راهبردی)، بازار ورود و مصرف کالا و تجهیزات نظامی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی، همواره مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار داشته است. این تنگه تنها راه تنفسی خلیج فارس و اغلب کشورهای حاشیه آن برای دسترسی به آب‌های آزاد شناخته می‌شود.

مقاله پیش رو با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق اسنادی به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی است که تنگه هرمز چه نقشی در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تنگه هرمز با برخورداری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی بی‌بدیل خود در ارتقای قدرت ملی، منزلت و وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران بسیار نقش دارد.

### واژگان کلیدی

قدرت ملی، خلیج فارس، تنگه هرمز، ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران

۱. کارشناس ارشد جغرافیای نظامی دانشگاه جامع امام حسین(ع)،  
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)



«دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۱).

تنگه‌ها و گذرگاه‌های طبیعی دریایی، موقعیت‌هایی هستند که در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها و استراتژی‌های نظامی بری و بحری مورد توجه قرار می‌گیرند؛ در نتیجه، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی در این مناطق با هم منطبق می‌شود. این موقعیت‌ها به کشور یا کشورهای مجاور امکان می‌دهد تا رفت و آمد در تنگه‌ها را کنترل کنند و به همین دلیل آنها دارای ارزش استراتژیکی هستند (عزتی، ۱۳۶۴: ۳۸). هر قدر دولت ساحلی تنگه، قوی‌تر و قدرتمندتر باشد به همان نسبت امکان استفاده از تنگه به عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی در امور منطقه‌ای و جهانی، برایش بیشتر خواهد بود (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۳).

تنگه هرگز میان تنگه‌های استراتژیک جهان، اهمیت ویژه‌ای دارد. این تنگه از ارزش‌های خاص ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی برخوردار است. از نظر مکیندر،<sup>۱</sup> استراتژیست معروف، هر قدرتی که به تنگه هرگز دست یابد به خلیج فارس دست خواهد یافت و هر قدرتی که به خلیج فارس دست یابد بر منابع عظیم انرژی دست خواهد یافت و هر قدرتی که به منابع عظیم انرژی جهانی تسلط یابد بر اقتصاد جهان تسلط خواهد یافت (دولتیار، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پیدایش یک قدرت نوظهور که قصد داشت حاکمیت خود را بر تنگه اعمال کند، سرفصل جدیدی در تاریخ تنگه هرگز باز و از نظر غرب، این تنگه نیز به مناطق بحرانی جهان افزوده شد و حضور مستقیم دریایی آمریکا را ضروری کرد (دولتیار، ۱۳۷۲: ۱۰-۹) تا جایی که آمریکا به چنان حضور نظامی گسترده‌ای در منطقه اقدام کرد که در تاریخ تنگه هرگز بی‌سابقه بود و به دنبال تهدید جمهوری اسلامی ایران (در زمان جنگ با عراق) مبنی بر بستن تنگه، آمریکا اعلام کرد که حاضر است برای باز نگه داشتن آن از نیروی نظامی استفاده کند (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۸۴). این بهانه به دنبال وقوع دو جنگ دیگر، یعنی اشغال کویت توسط صدام در سال ۱۹۹۱ که به جنگ نفت معروف شد و به مداخله نیروهای فرمانطقه‌ای به رهبری آمریکا برای بیرون راندن صدام از کویت انجامید و نیز جنگ ۲۰۰۳ برای سرنگونی رژیم بعثی صدام حسین، پر رنگ‌تر شد و همگی به حضور نظامی بیش از



پیش آمریکا و هم‌پیمانانش در این منطقه حساس جهانی انجامید.

جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از بیشترین ساحل و جمعیت میان هشت کشور ساحلی دریای عمان و خلیج فارس از زمان حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در صد افزایش قدرت ملی خود با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی است که سرزمینش در اختیار می‌گذارد. تنگه هرمز در شمار مهم‌ترین آبراه‌های استراتژیک جهان، یکی از این ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی است که حاکمیت مطلق بر تمام کرانه‌های شمالی خلیج فارس و هفت جزیره استراتژیک دهانه تنگه هرمز در ارتقای منزلت و وزن ژئوپلیتیکی و افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر انکارناپذیری دارد. هدف این مقاله، بررسی و تحلیل نقش تنگه هرمز در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین تنگه هرمز به عنوان متغیر مستقل و قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز متغیر وابسته به آن است که برای پاسخگویی به این پرسش که تنگه هرمز چه نقشی در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد و با فرض مثبت بودن پاسخ، این پژوهش نگارش یافته است.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از سایر مطالعات بوده است و نقش تنگه هرمز در قدرت ملی جمهوری اسلامی تجزیه و تحلیل شده است.

## مبانی نظری و مفهومی

### ۱. قدرت

در زبان فارسی، واژه‌های مترادف یا دربردارنده مفهوم قدرت، زیاد هستند. این واژگان عبارت‌اند از: نفوذ، توانایی، نیرو، فشار، اقتدار و... که متضمن نوعی توانایی و برتری کسی بر کسان دیگر است (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۸۹). به عبارت دیگر، قدرت به معنی توانایی عملی کردن خواسته‌ها و رسیدن به اهداف به‌رغم مخالفت دیگران است (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۵).

قدرت ملی هم به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد اطلاق می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۰). قدرت ملی دارای ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و ... است (زرقانی، ۱۳۸۷: ۷۷).



## ۲. عناصر تشکیل دهنده قدرت

برای برشمردن عناصر تشکیل دهنده قدرت در ابتدا باید اشاره‌ای به عناصر شکل دهنده دولت کنیم. دولت به عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاسی در صحنه سیاست بین‌الملل از چهار عنصر مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل شده است که در صحنه سیاست و روابط بین‌الملل و همچنین در حوزه مطالعه قدرت دولت‌ها، کم و کیف عامل سرزمین باید از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک، وسعت، شکل هندسی، امکانات اقتصادی، وضع طبیعی و نظایر آن مورد توجه قرار گیرد (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۱).  
حافظ‌نیا یکی از مؤلفه‌ها و عوامل قدرت را عوامل جغرافیای طبیعی یا سرزمینی شامل موقعیت ژئوپلیتیکی، استراتژیکی، ارتباطی، اقلیمی و طبیعی می‌داند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷۱-۲۶۹).

گلدشتین<sup>۱</sup> تولید ناخالص داخلی<sup>۲</sup> را عامل مهمی در اندازه‌گیری قدرت و بهترین شاخص تک‌متغیره قدرت ملی می‌داند که در شکل‌گیری آن، جمعیت، سرزمین، جغرافیا و منابع طبیعی را مهم تلقی می‌کند. او بین سرچشمه‌ها و منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، فوق‌العاده تأکید می‌کند. موقعیت کشور در خشکی یا دریا دسترسی به فرصت‌ها و مکان‌ها و نظایر آن اهمیت موقعیت را در قدرت ملی نشان می‌دهد (Goldstein, ۱۹۹۹: ۵۹).

ریچارد مویر<sup>۳</sup> از منابع قدرت ملی یک کشور به قدرت مورفولوژیکی ناشی از اندازه، شکل، موقعیت و عوارض جغرافیایی کشور اشاره می‌کند (مویر، ۱۳۹۰: ۱۴۸).  
تلیس<sup>۴</sup> و همکارانش شاخص‌ها و منابع کمی قدرت ملی را شامل سه بخش منابع ملی، کارکرد ملی و ظرفیت‌های نظامی پیشنهاد می‌کنند (Tellis & others; ۲۰۰۰: ۱۷۹-۱۸۲).

## ۳. مبانی جغرافیایی قدرت

عوارض و پدیده‌های جغرافیایی پیرامونی کشورها نظیر تنگه‌ها، گذرگاه‌ها، نقاط کنترل، پهنه‌های دریایی و غیر آن می‌تواند بر قدرت تأثیر بگذارد. قرارگیری کشورها در کنار معبری بسیار مهم یا تنگه و آبراهی بین‌المللی به آنها اهمیت راهبردی می‌دهد. این

- 1 . Joshua S. Goldstein
- 2 . G.D.P (Gross Domestic Product)
- 3 . Richard Muir
- 4 . Ashley Tellis



موقعیت استراتژیکی و ژئواستراتژیک از نظر امکان کنترل جهانی، اهمیت و اعتبار دارد (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۴۵) و در طرح‌ها و برنامه‌های عملیات نظامی کوچک و بزرگ، اهمیت پیدا می‌کند که اگر کشور دارنده آن قوی باشد و از آن استفاده کند، باعث قدرت آن می‌شود؛ ولی اگر ضعیف باشد، استقلال و موجودیت آن را به خطر می‌اندازد (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۷۸). از سوی دیگر موقعیت نظامی و استراتژیکی دولت‌ها، کشورها را به درون پیمان‌ها و اتحادیه‌های نظامی می‌کشاند. گاهی تمام یا بخشی از خاک یک کشور، در شرایط خاصی ممکن است اهمیت نظامی داشته باشد (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

قدرت از عوامل سیاست جغرافیایی سرچشمه می‌گیرد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۷۵). عده‌ای معتقدند که تکنولوژی نوین، ارزش عوامل سیاست جغرافیایی را از آنها سلب کرده است، اما باید یادآور شد که پیشرفت تکنولوژی، خود اهمیت عوامل سیاست جغرافیایی را افزایش می‌دهد (والترز، ۱۳۶۳: ۱۹).

با بررسی الگوهای مختلفی که صاحب‌نظران و دانشمندان مختلف درباره عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت ارائه کرده‌اند به طور مشخص بر موارد زیر در ارتباط با جغرافیا تأکید شده است:

۱. موقعیت جغرافیایی شامل موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت اقلیمی و غیره؛
۲. وسعت، شکل، کیفیت فضا، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم‌تر اینکه خصایص جغرافیایی، غالباً نقش بنیادین در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت، نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کنند؛ از این رو از اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت یک کشور برخوردارند. برخی تا آنجا پیش می‌روند که جغرافیا را علمی که درباره قدرت بحث می‌کند، می‌دانند. آنها جغرافی را تنها محصول طبیعت نمی‌دانند، بلکه آن را حاصل کشمکش تاریخی بین قدرتمندان می‌دانند که از قدرت برای سازماندهی، اشغال، کنترل و اداره فضا بهره‌برداری می‌کنند (Otuathail, 1996: 1)؛ ولی همه کسانی که درباره سرچشمه‌های قدرت بحث کرده‌اند به اتفاق بر تأثیر عوامل و ویژگی‌های جغرافیایی آن بر قدرت تأکید کرده‌اند (روشندل، ۱۳۸۸: ۷۱).

برخی از نویسندگان موقعیت جغرافیایی یک کشور را مهم‌ترین رکن قدرت ملی آن کشور به شمار آورده‌اند. برخی از این هم فراتر رفته و گفته‌اند سیاست هر کشور



را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند. به نظر اینان، موقعیت جغرافیایی هر کشور، کل سیاست نظامی و اقتصادی و نگرش سیاسی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (روشندل، ۱۳۸۸: ۷۱).

### کلیاتی درباره تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی

تنگه<sup>۱</sup> اصولاً پدیده‌ای جغرافیایی است و به یک معبر باریک آبی که به طور طبیعی دو بخش بزرگ از آب‌ها را به هم متصل می‌کند، اطلاق می‌شود. تنگه‌ها به دلیل اهمیتی که در روابط دریایی بین ملل دارند، بسته به ویژگی‌های جغرافیایی (عمق، طول و پهنا) و درجه آسیب‌پذیری، می‌توانند تأثیر مهمی بر افکار ژئوپلیتیک محلی و جهانی داشته باشند (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ملی برای هر کشوری در بخش جغرافیایی، بستگی به دسترسی آسان یا سخت به دریای آزاد دارد. تنگه‌های استراتژیک یک عامل جغرافیایی هستند که به علت ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی نقش مؤثری دارند و دولت‌ها و قدرت‌های حاکم بر تنگه از آن به عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. بین کاربری تنگه و میزان قدرت کشور ساحلی آن نیز رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هر چه دولت ساحلی تنگه، قوی‌تر و قدرتمندتر باشد به همان نسبت امکان استفاده از تنگه به عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی در امور منطقه‌ای و جهانی برایش بیشتر خواهد بود. قدرت‌های بزرگ جهانی به دلیل ارزش و نقش تنگه‌های استراتژیک، همیشه کوشیده‌اند بر آنها و کشورهای ساحلی آن کنترل داشته باشند (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۳). ژنرال گورشکف، فرمانده معروف نیروی دریایی مدرن شوروی، معتقد است حتی در زمان صلح، کنترل روی تنگه‌ها امکان تسلط فوری بر این مناطق را بعد از شروع جنگ فراهم می‌کند (Verrzberger, 1984: 35).

تنگه‌ها با توجه به نقشی که در مسائل ارتباطی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دارند، از موضوعات مورد مناقشه منطقه‌ای و جهانی بوده‌اند. اهمیت تنگه‌ها موجب شد تا در کنوانسیون ۱۹۵۸ برای آن نظام حقوقی (بین‌المللی) در نظر گرفته شود (حافظنیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۱۸۴). طبق مقررات کنوانسیون ۱۹۵۸، حق عبور از تنگه‌ها اصولاً منوط به این است که بخشی از دریای آزاد را به بخش دیگر متصل کند. بالطبع عبور



از آن برای کشتی‌های خارجی آزاد است و در کنترل یا صلاحیت کشورهای ساحلی نیست؛ ولی اگر آب‌های تنگه در داخل دریای سرزمینی یک یا چند کشور باشد، کشتی‌های خارجی فقط حق عبور بی‌ضرر را دارند. با گسترش عرض دریای سرزمینی تا ۱۲ مایل دریایی، بیش از ۱۰۰ تنگه در قلمرو آب‌های سرزمینی درآمدند (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۰۵). مطابق ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، حق عبور بی‌ضرر منوط به رعایت مقررات این کنوانسیون است و کشتی‌های همه کشورهای ساحلی یا محصور در خشکی از حق عبور کنوانسیون عبور بی‌ضرر برخوردارند؛ مادامی که مخل صلح، نظم عمومی یا امنیت کشور ساحلی نباشد (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۰).

### یافته‌های پژوهش

#### ۱. موقعیت و مشخصات طبیعی تنگه هرمز

تنگه هرمز آبراهی است هلالی‌شکل به طول ۱۸۷ کیلومتر (۱۰۴ مایل دریایی در امتداد خط منصف) که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌سازد (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

این تنگه در جنوب غربی آسیا و در امتداد پیشرفتگی آب‌های اقیانوس هند در مدخل خلیج فارس قرار دارد و کم‌فاصله‌ترین منطقه دریایی بین شبه‌جزیره عربستان و فلات ایران است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۱). بیشترین منطقه ساحلی آن در ایران قرار گرفته است. ساحل جنوبی تنگه هرمز که بیانگر پیشرفتگی خشکی شبه‌جزیره عربستان در داخل آب‌هاست شبه‌جزیره رئوس الجبال را تشکیل داده که بخش شمالی آن به شبه‌جزیره المسندم<sup>۱</sup> معروف است و در قلمرو حاکمیت عمان قرار دارد.

اهمیت عرض کم تنگه بدان علت است که در طول ۳۰ کیلومتر مسافتی که عرض بین ۲۱ تا ۲۴ مایل دریایی متغیر است، دریای سرزمینی دو کشور ایران و عمان (هر یک ۱۲ مایل دریایی) متداخل می‌شود و در فاصله بین آنها دریای آزاد وجود ندارد (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۰۲). عرض تنگه هرمز در مناطق مختلف، متفاوت است (جدول ۱).



جدول ۱ - عرض تنگه هرمز در مناطق مختلف بین ایران و عمان

فاصله به		مناطق مختلف ایران و عمان
کیلومتر	مایل <sup>۱</sup>	
۳۸	۲۴	قویین کبیر تا لارک
۹۰	۵۶	نخل ناخدا تا المسندم
۹۶	۶۰	رأس دبه تا رأس الکوه
۱۵۰	۹۳	بستانه تا دبی

منبع: (الهی، ۱۳۸۴: ۵۷)

## ۲. جزایر ایرانی تنگه هرمز

منطقه خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد که در نقاط مختلف آن پراکنده‌اند (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۵). تنگه هرمز نیز دارای دو دسته جزیره است که در مالکیت کشورهای ساحلی آن قرار دارند: جزایر ایرانی و جزایر تحت حاکمیت دولت عمان (جدول ۲).

در بخش جنوبی تنگه و در انتهای شبه جزیره رئوس الجبال، جزایر کوچک المسندم، سلامه، بناتها، قوئین کوچک و بزرگ، ام الفیارین و ... وجود دارند که عموماً صخره‌ای، سنگی و دارای شیب تند هستند و امکانات ایجاد بندرگاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی در آنها فراهم نیست (Persian Gulf Pilot, 1955: 84). این جزایر صرفاً به منظور کنترل و نظارت بر تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز از اهمیت استراتژیکی برخوردارند و بعضاً نیز به عنوان پایگاه‌های نظامی و عملیاتی و کنترلی درآمده‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

در دهانه خلیج فارس، ایران دارای چندین جزیره استراتژیکی است که بین آنها شش جزیره موسوم به خط منحنی از برترین موقعیت استراتژیکی برخوردارند. این جزیره‌ها عبارت‌اند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳).





جدول ۲- مشخصات طبیعی هفت جزیره ایرانی دهانه تنگه هرمز

فاصله تا بندرعباس (KM)	بیشترین ارتفاع (M)	عرض (KM)	طول (KM)	مساحت (KM <sup>2</sup> )	مشخصات نام جزیره
۲۰	۳۵۰	۱۰-۳۵	۱۱۵	۱۴۹۱	قشم
۲۲	۲۱۰	۷/۵	۷/۶	۴۲	هرمز
۲۲۲	۱۱۰	۴/۹	۵	۱۲	ابوموسی
۱۲۰	۵۷	۴	۴/۶	۱۱	تنب بزرگ
۱۳۰	۳۳	۰/۳-۱/۲	۱/۸	۲	تنب کوچک
۳۵	۱۵۵	۷/۵	۱۱	۴۸/۷	لارک
۷۴	۱۲۸	۳-۶	۹/۸	۳۲/۶	هنگام

در تنگه هرمز، یک طرح تفکیک تردد به طول تقریبی ۸۰ کیلومتر بین دو نقطه با طول‌های جغرافیایی ۵۴/۳۰ و ۵۵/۳۰ درجه شرقی تعبیه شده و شامل دو مسیر رفت و برگشت است که جزایر تنب بزرگ و کوچک و فارور آنها را از یکدیگر جدا می‌کند. مسیری که به طرف غرب می‌رود از حدود ۱۸ کیلومتری شرق و شمال شرق تنب بزرگ شروع می‌شود و سپس از شمال تخته سنگ کوت و جزایر تنب بزرگ و کوچک و فارور می‌گذرد. مسیر جنوبی که به طرف شرق، یک‌طرفه است، از حدود پنج کیلومتری جنوب و جنوب غربی فارور شروع می‌شود و پس از عبور از شمال جزیره بنی‌فارور از داخل کانال واقع بین این جزیره و جزایر فارور و تنب کوچک و بزرگ عبور می‌کند (میرحیدر، ۱۳۶۷: ۵۷۳).



نقشه ۱- طرح تفکیک تردد بین‌المللی کشتی‌ها از تنگه هرمز و از بین جزایر تنب کوچک و بزرگ،

ابوموسی و فارور (باپیری، ۱۳۹۰: ۷۰)



تاریخ نیز بیانگر این مطلب است که در دوره حضور قدرت بحری جهان در منطقه یعنی انگلیس، این کشور برای کنترل تنگه هرمز و خلیج فارس مجبور شد با لغو موقت حاکمیت ایران بر جزایر، آنها را به اشغال خود در آورد؛ ولی پس از عقب‌نشینی انگلستان از شرق سوئز در سال ۱۹۷۱ و خطر خلأ قدرت در منطقه و چشم دوختن عراق به عنوان عامل شوروی به آنها، آمریکا و انگلستان نگران شده بودند و به علت موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، دوباره جزایر به ایران بازگردانده شد و زمینه برای حضور نظامی ایران در جزایر مذکور فراهم آمد. امروز قدرت‌های غربی و آمریکا از تسلط حکومت جمهوری اسلامی بر جزایر استراتژیک ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ نگران هستند. ادامه اصرار امارات متحده عربی به عنوان یکی از اقرار غرب و آمریکا در منطقه خلیج فارس برای حفظ کلنی یادشده در جزایر ابوموسی و تنب‌ها نمی‌تواند با اهداف آمریکا و غرب در منطقه بی‌ارتباط باشد (میرحیدر، ۱۳۶۷: ۲۰۰).

### تنگه هرمز و حقوق بین‌الملل دریاها

بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌المللی دریاها، تنگه هرمز به علت اتصال منطقه انحصاری- اقتصادی خلیج فارس به آب‌های آزاد اقیانوس هند به عنوان یک تنگه بین‌المللی شناخته شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۰۳) و مطابق قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی، مشمول عبور بی‌ضرر است. بر این اساس عبور شناورهای خارجی به استثنای موارد مندرج در ماده ۹، از دریای سرزمینی ایران مادامی که مخل نظم، آرامش و امنیت کشور نباشد، تابع اصل عبور بی‌ضرر است و عبور جز در موارد اضطراری باید با سرعت متعارف و پیوسته انجام گیرد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۴: ۵۷). مطابق ماده ۹ قانون مذکور، مستثنیات عبور بی‌ضرر شامل عبور شناورهای جنگی، زیردریایی‌ها، شناورهای با سوخت هسته‌ای و هر نوع وسیله غوطه‌ور دیگر و همچنین شناورها و زیردریایی‌های حامل مواد اتمی یا خطرناک یا زیان‌آور برای حفظ محیط زیست و شناورهای تحقیقاتی خارجی از دریای سرزمینی منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. زیردریایی‌ها باید در سطح آب و با پرچم برافراشته عبور کنند (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۴: ۵۸).

شایان ذکر است در اوضاع جنگی و همچنین در صورت تهدید امنیت و استقلال کشورهای حاشیه تنگه، کشورهای ساحلی تنگه می‌توانند محدودیت‌هایی را برای عبور



هوایی و دریایی قائل شوند که ایران علاوه بر این به علت اعلام مواضع رسمی و نیز قوانین داخلی خود درباره کشتی‌های جنگی خارجی که سال‌هاست عمل شده و به صورت یک عرف بین‌المللی در آمده است، به طریق اولی می‌تواند حاکمیت خود را بر تنگه هرمز گسترش دهد؛ ولی باید به این مسئله توجه کرد که اعمال حاکمیت و دفاع مشروع از خود نیاز به قدرت دارد و کسب قدرت لازم در پهنه آب‌های جنوب کشور به منظور دفاع مشروع از حقوق مسلم ملت ایران باید در استراتژی‌های ملی کشور ایران به خوبی دیده شود (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۴۱۱).

### ژئوپلیتیک تنگه هرمز

تنگه‌های هرمز و باب‌المندب میان شش آبراه ممتاز جهان با تنگه‌های دوور و مالاکا رقابت دارند (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۰۰). تنگه هرمز از لحاظ اهمیت اقتصادی و جغرافیایی و تأثیر در منافع قدرت‌های رقیب غرب در آثار بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان مسائل استراتژیک به عنوان یک نقطه فشار و کنترلی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود که از طریق آن می‌توان گلوی اقتصاد دنیای صنعتی غرب را به علت عبور بخش عمده‌ای از نفت مورد نیاز اروپای غربی، ژاپن، آمریکا و سایر کشورهای صنعتی از این تنگه فشرده (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۴۶۶).

برخی از مهم‌ترین جنبه‌های ژئوپلیتیکی تنگه هرمز عبارت‌اند از:

#### ۱. اهمیت و نقش ژئواستراتژیکی

تنگه هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی، نقش ارتباطی تعیین‌کننده‌ای در برقراری پیوند بین کشورهای منطقه با سایر نقاط جهان دارد. بعضی موارد ژئواستراتژیکی تنگه هرمز عبارت‌اند از:

۱. قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان غرب به عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار؛
۲. تکیه‌گاه دفاعی شبه‌جزیره عربستان؛
۳. واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران؛
۴. قرار داشتن در موقعیت مناسب برای ورود قدرت بری به شبه‌جزیره عربستان؛
۵. قرار گرفتن در موقعیت پخش بحران به صحنه عملیات اقیانوس آرام؛



۶. قرار گرفتن تنگه در مرکزیت نظریه ریملند اسپایکمن و پیونددهنده بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی در این نظریه؛
۷. ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری؛
۸. ایجاد تسهیلات تدارک نیرو و لجستیک؛
۹. تناسب جغرافیایی و حقوقی تنگه برای عبور واحدهای ویژه دریایی و هوایی؛
۱۰. تنگه به عنوان مکمل استراتژی بری (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۴۳۶-۴۲۹).

## ۲. اهمیت و نقش اقتصادی (ژئواکونومیکی)

خلیج فارس به علت داشتن منابع عظیم نفت و گاز و نیز به علت وابستگی شدید کشورهای صنعتی غرب به انرژی‌ها به عنوان قلب اقتصاد جهان عمل می‌کند و تنگه هرمز به منزله آئورت این قلب است (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۲۹۲) و هر چند این تنگه دریاها را آزاد را به یک دریای نیمه بسته مرتبط می‌سازد، اما مهم‌ترین خطوط بین‌المللی حمل نفت از این تنگه می‌گذرد و سپس به طرف تنگه مالاکا، کانال سوئز و دماغه امیدنیک برای رسیدن به آسیای شرقی (چین، ژاپن و کره جنوبی)، اروپا و آمریکای شمالی ادامه مسیر می‌دهد (Jeen & Field, 2011: 1 & World Oil Transit Chokepoints, 2011).

خلیج فارس و وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در این منطقه، عمده‌ترین دلیل اهمیت ژئواکونومیکی تنگه هرمز برای کشورهای غربی است که در جدول ۳، میزان این ذخایر نشان داده شده است.

کشورهای حوزه خلیج فارس از نظر اقتصادی، وضعیت یکسانی دارند که بر اساس اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر صدور نفت به جهان است. درآمد غالب در این کشورها از صدور نفت تأمین می‌شود و اگر در این امر خللی ایجاد شود، همه این کشورها از جمله ایران، دچار بحران‌های امنیتی، اقتصادی و... می‌شوند.



### جدول ۳- درصد سهم کشورهای حوزه خلیج فارس در عوامل اقتصادی و اجتماعی

جهان در سال‌های ۱۰-۲۰۰۸

اقلام مناطق	نفت خام (به میلیون بشکه)			گاز طبیعی (به میلیارد مترمکعب)			وسعت (KM <sup>2</sup> )	جمعیت (نفر)
	ذخایر	تولید	صادرات	ذخایر	تولید	صادرات		
کل جهان	۱۳۳۸۰۰۰	۸۷/۵	۶۳/۷۶	۱۹۰/۱۶۳	۳۱۲۷	۹۳۹/۹	۶۹۶۸۲۰۰۰۰۰	۱۴۸۹۴۰۰۰۰۰
خلیج فارس	۷۵۰۰۰۰	۲۴/۱۴۶	۱۹/۶۶۹	۷۴۵۲۲	۴۵۴/۸۲	۸۰/۶۳۷	۱۴۷۰۵۸۸۳۰	۳۹۳۳۲۸۷
درصد سهم خلیج فارس از کل جهان	۶۱	۲۷	۳۰	۳۹	۱۵	۹	۲	۴

Source: [www.cia.gov](http://www.cia.gov)

بنابراین می‌توان گفت اقتصاد و امنیت منطقه خلیج فارس با اقتصاد و امنیت جهانی، رابطه متقابل دارد و در این میان، نقش تنگه هرمز به عنوان آبراه بین‌المللی نقشی ممتاز است؛ اما همه کشورهای حاشیه خلیج فارس جز عراق در صدور نفت خود به یک شکل عمل می‌کنند و آن هم از طریق تنگه هرمز است. در این میان برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله بحرین، امارات متحده، قطر، کویت و ایران به علت ارزان‌تر بودن راه دریایی و از همه مهم‌تر، شرایط جغرافیایی خاص‌شان وابستگی شدیدی به انتقال نفت از طریق تنگه هرمز دارند.

به طور قطع، هرگونه اختلالی در روند جریان صادرات نفت از این تنگه باعث کاهش شدید عرضه نفت در بازارهای جهانی خواهد شد و یقیناً به مذاق کشورهای صنعتی خوش نخواهد آمد و احتمالاً همین مسئله باعث نزولی شدن سیر واردات نفت کشورهای صنعتی از این تنگه شده و آنها را مترصد کاهش وابستگی خود به این تنگه کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۷) که مقایسه آمارهای سال‌های گذشته در جدول ۴ گواه این مدعا است.



جدول ۴- سیر نزولی میزان نفت عبوری از تنگه هرمز قبل و بعد از انقلاب اسلامی

در دو سال نمونه‌ای

سال میلادی	کل نفت عبوری به میلیون بشکه	تعداد کشتی عبوری		میزان از نفت مصرفی برخی کشورهای صنعتی به درصد
		در روز	در سال	
۱۹۷۸	۱۸۲	۷۵	۲۷۳۷۵	ایالات متحده ۳۸
				اروپای غربی ۶۰
				ژاپن ۷۵
۱۹۸۴	۷/۴	۳۱	۱۱۳۱۵	ایالات متحده ۳
				اروپای غربی ۲۸
				ژاپن ۷۰

منبع: (باپیری، ۱۳۹۰: ۷۸)

۳. اهمیت و نقش فرهنگی (ژئوکالچر)

ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی، فرایندی پیچیده از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی، همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابه‌جایی در جریان زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین‌اند (اخباری و مؤذن جامی، ۱۳۸۹: ۳۱).

منطقه خلیج فارس مهد ظهور دین اسلام است و امروزه اکثریت ساکنان این منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در حال حاضر، جمعیت مسلمانان جهان به بیش از یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر رسیده است<sup>۱</sup> و بر اساس آماري که از منابع مختلف ارائه شده است، شیعیان دست کم ۲۰ درصد این جمعیت، یعنی جمعیتی بیش از سیصد میلیون نفر را به خود اختصاص داده‌اند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

از نظر تاریخی، شیعه گرچه از کشورهای عربی و به طور مشخص از سرزمین عراق نشئت گرفت، به سرعت در ایران، پاکستان، افغانستان، بخش‌هایی از هند و سایر کشورهای اسلامی گسترش یافت و همواره به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مهم به حساب آمده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

شیعیان حاشیه خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج

۱. بر اساس آخرین آمار در ژوئیه ۲۰۱۱، مسلمانان جمعیتی برابر ۱,۶۰۰,۷۳۷,۷۱۲ نفر داشته‌اند (www.cia.gov).



فارس را در بردارد، ساکن هستند و با توجه به نفت خیز بودن این سرزمین‌ها می‌توان گفت به لحاظ جغرافیایی، مهم‌ترین بخش‌های خلیج فارس در انحصار شیعیان است. این بخش‌ها هم شامل سواحل شمالی یعنی سواحل ایران و هم سواحل جنوبی یعنی مناطقی از عراق، کویت، استان‌های شرقی عربستان سعودی، سواحل بحرین و قسمت‌هایی از سواحل قطر و بندر دوبی در امارات متحده را دربرمی‌گیرد و حتی تا سواحل باطنه دریای عمان نیز امتداد می‌یابد. به بیان دیگر خلیج فارس از نظر جغرافیای مذهبی، تحت سلطه شیعیان است (توال، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

از بعد جمعیتی نیز کشورهای ایران، عراق و بحرین، اکثریت درخور توجهی از شیعیان را در خود جای داده‌اند که از میان این سه کشور، ایران و عراق از پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه هستند. افزون بر آن کویت با جمعیت ۴۰ درصدی شیعیان خود، مورد توجه است.

### تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری

تنگه هرمز از لحاظ وابستگی دنیای صنعتی غرب به نفت خلیج فارس برای رفع نیازهای صنعتی، دفاعی و خدماتی خود به عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار ویژه مطرح است. این تنگه در اختیار هر یک از قدرت‌های جهانی باشد، می‌تواند موازنه استراتژیک را به نفع آن تغییر دهد.

تنگه هرمز در طول تاریخ، صحنه رقابت ابرقدرت‌های جهانی بوده است. در حال حاضر این تنگه به طور کامل در اختیار قدرت‌های جهانی نیست و حاکمیت بر آن گسسته است. آمریکا به عنوان قدرت بحری که بیشترین نیاز را به تنگه هرمز دارد با حضور خود در شبه‌جزیره المسمند عمان عملاً کنترل سواحل جنوبی تنگه را در اختیار گرفته است. بخش شمالی تنگه نیز در حال حاضر در کنترل ایران به عنوان یک کشور مستقل و قدرتمندترین کشور حاشیه خلیج فارس قرار دارد.

به تبع اهمیت بالای این تنگه در مباحث ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی، نقش سیاسی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز به خوبی نمایان می‌شود و می‌توان آن را به عنوان کم‌نظیرترین یا حتی بی‌نظیرترین آبراه دنیا لقب داد که توجه قدرت‌های بزرگ را همیشه به سمت خود معطوف می‌کرده و برای ایران که درصدد تبدیل کردن خود به یک قدرت منطقه‌ای است، از اهمیت زیادی برخوردار است و در موارد زیادی از جمله در موضع‌گیری‌های سیاسی به عنوان یک نقطه قوت، توسط دولتمردان از آن استفاده



شده است و به نظر می‌رسد توانسته است در پیشبرد بعضی اهداف سیاسی ایران نیز کمک شایانی کند.

از آنجا که قلمرو قدرت نظامی ایران از محدوده منطقه خارج نیست، در عرصه جهانی، ویژگی قدرت آفرینی تنگه نمی‌تواند به عنوان ابزاری کاملاً کارساز در اعمال اراده سیاسی ایران در صحنه بین‌المللی به کار گرفته شود. از طرف دیگر به دلیل وجود ایران در شمال تنگه، هر یک از قدرت‌های نظامی جهان نیز نمی‌توانند از ویژگی‌های قدرت آفرینی آن به طور کامل استفاده کنند؛ ولی اگر تنگه در کنترل کامل قدرتی قرار بگیرد که بتواند در صحنه مناسبات بین‌المللی از آن استفاده کارساز کند، وضع فرق خواهد کرد. اگر این قدرت، آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن باشند، طبعاً آن را در موضع قدرت، حفظ خواهند کرد؛ ولی اگر تنگه هرگز به دست قدرت منطقه‌ای یا غیر منطقه‌ای آن هم با برد عملیات نظامی جهانی یا منطقه‌ای در اقیانوس هند، نظیر روسیه، چین، هند یا ایران قرار بگیرد، طبیعی است که کنترل تنگه از سوی قدرت رقیب آمریکا و غرب، اساس استراتژی بحری را به هم می‌زند و موازنه استراتژیک جهان را به نفع قدرت حاکم بر تنگه تغییر خواهد داد. البته چون این مسئله برای آمریکا و غرب تحمل‌ناپذیر است، به این سادگی تن به چنین رویدادی نخواهند داد؛ در نتیجه، بعضی از تحلیلگران معتقدند رقابت برای کنترل تنگه هرمز و منطقه خلیج فارس، جنگ جهانی سوم را باعث خواهد شد.

تسلط یکی از قدرت‌های رقیب آمریکا بر تنگه هرمز به دو شیوه امکان‌پذیر است: اول، تهاجم به منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز؛ دوم، سازش و اتحاد با ایران به عنوان کشور ناظر بر تنگه هرمز و خلیج فارس که در هر دو صورت، موازنه جهانی به نفع قدرت رقیب آمریکا تغییر می‌کند. به همین دلیل آمریکا حفظ امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز را بخشی از استراتژی امنیت ملی خود می‌داند، زیرا حفظ و اقتدار آمریکا بر منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز نه تنها رفع نیازهای نفتی و کنترل بازار مصرف منطقه‌ای و امنیت سرمایه‌گذاری آن کشور را در آینده تضمین می‌کند، بلکه این کشور را قادر خواهد کرد با کنترل خلیج فارس، نیازمندان نفت آن نظیر چین، ژاپن، اروپای غربی و در کل، کشورهای صنعتی را که در زمینه انرژی و پتروشیمی و مصارف دیگر به آن احتیاج دارند و نامزد قدرت جهانی نیز هستند، در کنترل خود بگیرد و اراده سیاسی‌اش را در مناسبات بین‌المللی اعمال کند و در نهایت، سیادت سیاسی جهان را در اختیار خود نگه دارد.





در همین راستا ایران به عنوان قدرتمندترین کشور خلیج فارس با توجه به موقعیت جغرافیایی راهبردی که در منطقه دارد و با توجه به بیشترین مرز ساحلی (حدود ۱۲۰۰ کیلومتر) در خلیج فارس، توان تغییر اوضاع منطقه در هر موقعیتی را دارد؛ بنابراین راهبرد سیاسی و امنیتی پیاده شده توسط ایران در این منطقه برای سایر قدرت‌های منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای، مهم و حیاتی است.

عرض کم تنگه هرمز و عبور اجباری کشتی‌ها از مسیرهای مشخص، کنترل این تنگه را در مواقع ضروری امکان‌پذیر می‌کند و تردد زیاد کشتی‌های تجاری به ویژه نفتکش‌ها و فقدان مسیر جایگزین، یکی از دغدغه‌های کشورهای صنعتی است و در عوض همسایگان این تنگه، به خصوص ایران را بر آن داشته است که از آن به عنوان یک مؤلفه ایجاد قدرت و اهرم فشار در مواقع اضطراری استفاده کنند.

پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، این کشور را مجبور کرده است تا اهمیت خاصی برای تنگه هرمز قائل شود. بعد از جنگ سال ۲۰۰۳ با عراق، آمریکا حدود ۱۴ پایگاه نظامی در حاشیه جنوبی خلیج فارس ایجاد کرد که مهم‌ترین آنها پایگاه ناوگان پنجم دریایی با بیش از ۳۴۰۰ نیرو در بحرین است.<sup>۱</sup> اگر آمریکایی‌ها بخواهند نیرو، تجهیزات، لجستیک و امکانات دیگر را از طریق شناورها و ناوگان‌های نظامی جابه‌جا کنند، حتماً نیازمند عبور از تنگه هرمز هستند. کشورهای حاشیه خلیج فارس با داشتن بیش از ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت دنیا توانسته‌اند حدود ۳۰ درصد تجارت جهانی این کالای استراتژیک را در اختیار خود بگیرند که اغلب تانکرهای حامل آن از تنگه هرمز عبور می‌کنند و از آنجا به سمت شرق و غرب عالم، ادامه مسیر می‌دهند (جدول ۵). به همین دلیل هرگونه اختلالی در روند مسیر صادرات نفت، دنیا، خاصه دنیای صنعتی، را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد کرد.

۱. ناوگان پنجم دریایی آمریکا که در بحرین مستقر است، نظارت بر عملیات در مناطق خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ و بخش‌هایی از اقیانوس هند را بر عهده دارد. این ناوگان همچنین به طور مستقیم در حمایت از نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و افغانستان ایفای نقش می‌کند. از وظایف دیگر ناوگان پنجم دریایی آمریکا می‌توان به تأمین امنیت انتقال نفت از خلیج فارس به بازارهای جهانی، نظارت از نزدیک بر ایران و مبارزه با دزدی دریایی اشاره کرد (نگارندگان).



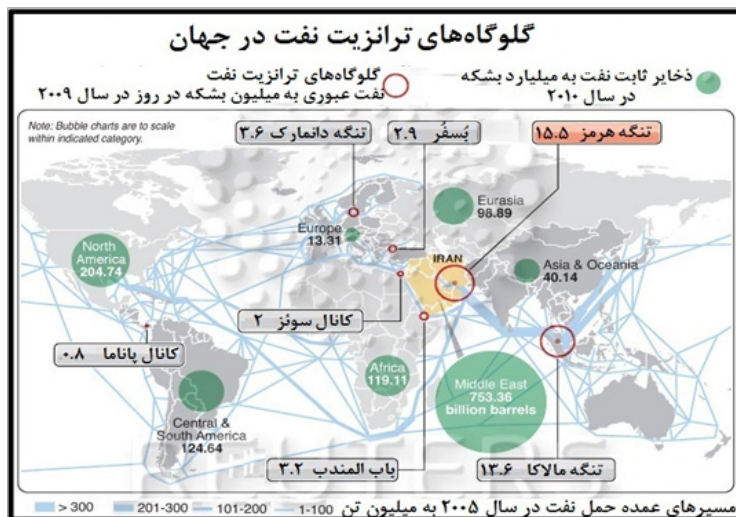
جدول ۵- میزان تردد و مقدار نفت عبوری از تنگه هرمز در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹

و درصد سهم جهانی آن

سال	مقدار جهانی (در روز)	صادرات نفت روزانه به میلیون بشکه	تعداد تانکر حمل نفت عبوری در روز	درصد از نفت عبوری از دریا	درصد از کل نفت داد و ستد شده دنیا
۲۰۰۸	۸۱ میلیون بشکه <sup>۲</sup>	۱۷	۱۸ فروند	۴۰ درصد	۲۱ درصد
۲۰۰۹	۸۴ میلیون بشکه	۱۵/۵	۱۳ فروند	۳۳ درصد	۱۷ درصد

Source: www.eia.doe.gov

خط ساحلی ایران در صدور این انرژی، نقش حیاتی بازی می‌کند، زیرا تانکرها و نفتکش‌ها از مسیرهایی عبور می‌کنند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاه‌های نیروی دریایی‌اش در خلیج فارس است. این حساسیت زیاد و تهدیدهای ایران مبنی بر انسداد تنگه هرمز در صورت هرگونه حمله نظامی علیه ایران، اکنون یکی از دغدغه‌های کشورهای پیشرفته صنعتی برای تضمین امنیت صدور انرژی شده است.



نقشه ۲- گلوگاه‌های ترانزیت نفت در جهان و جایگاه بی‌بدیل تنگه هرمز بین آنها

Source: U.S. Energy Information Administration, International Tankers Owners Pollution Federation

توضیحات نقشه: حدود نیمی از نفت تولیدی دنیا به وسیله تانکرهای نفتی در مسیرهای ثابت دریایی حمل می‌شود. در این بین تنگه هرمز بیشترین نفت را از خود



عبور می‌دهد. انسداد این گلوگاه حتی موقت می‌تواند موجب افزایش زیاد هزینه‌های انرژی شود ([www.reuters.com](http://www.reuters.com)).

صادرات نفت تولیدکنندگان بزرگ این ماده حیاتی در حوزه خلیج فارس یعنی ایران، عراق، کویت و عربستان سعودی از طریق بنادری که اکثر ساکنان آن شیعه هستند، انجام می‌گیرد. بخش اعظم نفت عراق، یعنی حدود دو میلیون بشکه از صادرات روزانه این کشور از طریق دومین شهر بزرگ عراق یعنی بندر بصره که اکثر جمعیت آن شیعه هستند صادر می‌شود. بزرگ‌ترین ذخایر و مراکز تولید نفت کویت در مناطق مرکزی این کشور که جمعیت آن ترکیبی از شیعیان و اهل سنت است قرار دارد؛ ولی بخش عمده صادرات نفت این کشور از طریق بنادر جنوبی کویت انجام می‌شود که بیشتر جمعیت آن شیعه‌اند. احتمالاً مراکز اصلی تولید نفت عربستان سعودی در منطقه قوار<sup>۱</sup> که در جوار شهر الهفوف قرار دارد و بخش اعظم جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، بیش از همه اهمیت دارد. بندرهای اصلی صادرات نفت در سواحل عربستان نیز جز مناطق شیعه‌نشین هستند. عمده ذخایر نفتی عربستان سعودی در مناطق الاحسا و قطیف واقع در استان شرقی این کشور واقع است و ۷۰ درصد کارکنان شاغل در این میدان‌های نفتی، اعراب شیعی هستند. وجود جمعیت‌های شیعه، مشکل دائمی حاکمیت ریاض است؛ بنابراین شیعیان، عمده نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس را در اختیار دارند و از این رو نقش ایران به عنوان یک کشور با حاکمیت شیعی تأثیرگذار و با نفوذ در منطقه می‌تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

حضور شیعیان در کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، مراکز تجاری و... درصد بالایی احتمال اعتصاب و امکان فلج کردن اقتصاد کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را همراه دارد یا حتی دوری و نزدیکی به پایتخت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نزدیک بودن محل تمرکز آنان به مراکز سیاسی از یک سو، میزان آگاهی سیاسی آنان را از حقوق شهروندی خویش افزایش می‌دهد و از سوی دیگر بازتاب شورش و اعتراض آنان را گسترده می‌کند و احتمال انتشار آن به مراکز دیگر را افزایش می‌دهد.

تنگه هرمز گلوگاه حیاتی ایران محسوب می‌شود. کشورمان با در اختیار داشتن هفت جزیره ژئواستراتژیک قشم، هرمز، لارک، هنگام، تنبها و ابوموسی که در فاصله نسبتاً کوتاه از یکدیگر و به عنوان پاشنه‌های دفاعی در دهانه تنگه قرار دارند، در

۱. ابرمیدان نفتی قوار عربستان که تولید آن پنج میلیون بشکه نفت در روز است، بزرگ‌ترین میدان نفتی در دنیاست که در سمت راست این میدان شهر الهفوف قرار دارد که حدوداً ۶۵۰ هزار نفر جمعیت شیعه دارد. تولید نفت این میدان از طریق خط لوله به ایالات شمال شرقی ارسال می‌شود و از آنجا به مبادی خروجی عربستان در خلیج فارس می‌رسد که این مناطق کلاً شیعه‌نشین هستند (۲: ۲۰۱۱; forbes news agency).



مواقع لزوم توانمندی مضاعفی برای کنترل و تأمین امنیت تنگه دارد و این کار باعث قدرت‌آفرینی و تأثیر مثبت در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود و قدرت آن را به رخ ابرقدرت‌ها خواهد کشید و به عنوان قدرت بلامنازع تنگه به دنیا معرفی خواهد کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت عبور و مرور در تنگه پیشگام باشد. این کار باعث تجلی اقتدار نظامی ایران مبنی بر توانایی تأمین امنیت تنگه هرمز و منطقه خلیج فارس در هر شرایط و در برابر هر نوع تهدیدی از بیرون خواهد شد و کمک به صلح و امنیت بین‌المللی و ثبات اقتصاد جهانی خواهد کرد؛ در این صورت قدرت‌های بزرگ، جمهوری اسلامی را به عنوان یک کشور قدرتمند در جمع خود خواهند پذیرفت.

### منابع فارسی

- الهی، همایون (۱۳۶۸)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶)، مبانی سیاست، ج ۱، چ ۷، تهران: انتشارات توس.
- اخباری، محمد و محمدهادی مؤذن جامی (۱۳۸۹)، «الگوی شبکه‌ای ترسیم نقشه فرهنگی مبتنی بر ارتقای موقعیت ژئوکالچر: مطالعه موردی کلان‌شهر تهران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۶، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- باپیری، مسعود (۱۳۹۰)، تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی کشورهای اسلامی و نقش آن در قدرت نظامی جهان اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- پورنوری، منصور و محمد حبیبی (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل دریاها، کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲)، مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، تهران: انتشارات مهر حقوق.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران: انتشارات ویستار.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چ ۵، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.



- درایسدل، آلاسداير و جerald اچ. بلیک (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، چ ۵، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- دولتیار، مصطفی (۱۳۷۲)، رژیم حقوقی تنگه‌های بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۸)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، چ ۶، تهران: سمت.
- زرقاتی، سیده‌ادی (۱۳۸۷)، «تحلیل و ارزیابی متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۶، ش ۲۳، زمستان ۱۳۸۷.
- زرقاتی، سیده‌ادی (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر قدرت ملی (مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تأکید بر شیعیان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵)، فلسفه جغرافیا، ج اول، تهران: گیتاشناسی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۶۴)، سیاست‌های جغرافیایی خاورمیانه، چ اول، تهران: دانشکده افسری.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چ ۱۲، تهران: سمت.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، خلیج فارس، کشورها و مرزها، تهران: انتشارات عطایی.
- مویر، ریچارد (۱۳۹۰)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سیدیحیی صفوی، چ ۲، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرحیدر، دره (۱۳۶۷)، «جغرافیای سیاسی طرح‌های تفکیک تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز»، مجله سیاست خارجی، ش ۸، اسفند ۱۳۶۷.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۳)، مبانی جغرافیای سیاسی، چ ۱۱، تهران: سمت.
- نامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، تنگه‌ها و نقاط استراتژیک جهان، تهران: نشر سپهر، زیتون سبز.
- والترز، رابرت (۱۳۶۳)، دام سلاح هسته‌ای و راهی برای گریز از آن، ترجمه محمدرضا فتاحی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



## منابع لاتین

- Forbes News Agency (2011), Iran's Opportunity in The Persian Gulf, [www.forbes.com/sites/energysource](http://www.forbes.com/sites/energysource); 2011/03/06
- Goldstein, Joshua S. (1999), *International Relations*, New York, Longman.
- Jeen, Paul Rodrigue & John Field (2011), Oil Transportation and Major Chokepoints, Dept. of Global Studies & Geography, Hofater University.
- Otuathail, Gearoid (1996), *Critical Geopolitics*, London: Routledge.
- Persian Gulf Pilot 10th Ed (1955), Hydrographic Department, London.
- Tellis, Ashley & Others (2000), *Measuring National Power in the Postindustrial Age*, New York: RAND.
- The Economic Importance of the Strait of Hormuz (2012), [www.reuters.com](http://www.reuters.com); 1 January 2012.
- U.S. Energy Information Administration, International Tankers Owners Pollution Federation, 2010.
- Verrzberger, Jaacovy (1984), Coastal Statal: Regional Powers, Super Powers and the Malaca- Singapore Straits, California.
- World Oil Transit Chokepoints (2011), Adapted from The International Tankers Owners Pollution Federation Limited & Energy Information Administration.
- World Oil Transit Chokepoints Energy Data, Statistics and Analysis- Oil (2011), Energy Information Administration ([www.eia.doe.gov](http://www.eia.doe.gov)), Country Analysis Birfs, Last Updated, February 2011.

## سایت‌ها

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

<http://www.cia.gov>

<http://www.eia.doe.gov> .

۱. هر مایل دریایی ۱۸۵۲ متر است و گره دریایی که یک واحد سرعت در دریانوردی است معادل یک مایل دریایی بر ساعت تعریف می‌شود (<http://fa.wikipedia.org>).
۲. این میزان برابر ۵۰ درصد از نفت تولیدی اوپک و ۲۸ درصد از نفت جهانی است.
۳. از این مقدار حدود ۷۵ درصد به آسیای شرقی و جنوبی یعنی کشورهای چین، ژاپن، هند و کره جنوبی ترانزیت شده است.